



### درون قبر هر شهید یک راکتور هسته‌ایست

آنها به توافق مهمی رسیدند که فوهماشان را تنها با یک فالش شکر میل کنند

سپس به توافق رسیدند درباره قیمت اتاق‌های هتل

بنا شد پول اتاقها را به دلار و یورو حساب کنند

توافق بعدی بر سر پرداخت پول اتاقها بود که با ظرفیت تمام این اتاق را به ما سپردند

آنها بر سر چیزهای مهم دیگری نیز توافق کردند

مثلاً این که مسی بهتر است یا رونالدو؟

مک‌دونالد خوشمزه‌تر است یا کی‌اف‌سی؟

آنها پیش‌نویس پشت پیش‌نویس نوشتند

توافق شد که خط طریف وقتی فارسی بنویسد، فشنکتر از خط کری است

و خط کری زیاتر است وقتی انگلیسی بنویسد

توافق شد که پیسی خوشمزه‌تر از کوکا‌کولاست

توافق شد که تحریم‌ها ماند، برای بعد؛ تا تحریم‌ها شکسته نشود

توافق شد که توافق بد بهتر از توافق خوب است و توافق خوب گاهی همان توافق بد است

توافق شد که فک‌کشیت ایرانی همان گزاره‌برگ آمریکایی است

توافق شد که مبارک است ان‌شاءالله

روزی شبیه دوفردایی دیگر اگر بگوییم مرگ بر آمریکا، جرم است

سگ‌های آمریکایی در رانند با شوهایی شبیه شو باکو

در انتخابات مجلس به حزب ریزگردها رأی بدهید، به مک‌دونالد و ملک سلیمان با هم ...

فردا پلاکاردها دولتی می‌شود

بره‌مقدم‌ها دولتی

شیدا دولتی

و با ترانه‌های دولتی ارکستر شبانه راه می‌اندازند

چقدر باید بگذرد تا ملتفت شوی برجام، یک جام شکسته است و قطعنامه آخری یک تله انفجاری

امروزه اراک را سپیمان می‌کنند، فردا مزار شهیدان را صاف

درون قبر هر شهید یک راکتور هسته‌ایست

هر شهید با استخوان‌هایش غنی‌سازی می‌کند.

از استخوان هر شهید فریاد مرگ بر آمریکا بلند است

عزیزها گروه

### تمرین برای آینده

اینجا نمونه ای کوچک از جامعه است که در آن آماده می شویم برای حضور در اجتماع اصلی. اینجا محل رشد و فعالیت در زمینه های مختلف است. محلی تمرینی برای آماده شدن در میدان های اصلی.

اینجا دیگر نباید تک بعدی باشیم و فقط درس بخوانیم. اصولاً تک بعدی بودن ما نتیجه خوبی نخواهد داشت. برای تاثیرگذاری در آینده باید بنوایم اطرافمان را بشناسیم. حرف بزنیم، فکر کنیم، تحلیل کنیم، با اطرافیان ارتباط بگیریم، کار جمعی را یاد بگیریم و...

خوب است سیاست را یاد بگیریم و فرق کارهای سیاسی بیخود را از کارهای ضروری تشخیص دهیم.

آینده این کشور و مسئولان آینده کسی نیست مگر از جوانان این زمان یعنی ما. آینده را ما باید بسازیم. امور حکومتی یعنی همان سیاست را بشناسیم.

فرهنگ این کشور را باید بدانیم و در جهت آن کار کنیم. مسئولان ما باید بر اساس مانی اعتقادی و فرهنگی این انقلاب فعالیت کنند. مگر می شود ما بدون شناخت اهداف و آرمان های انقلاب در جهت آن کار کنیم و یا مراقبت از آن کنیم؟

اینجا مکان تمرینی برای آشنایی و یادگیری امور مختلف زندگی است که در آینده نیاز هستند. افرادی که فقط دیپلوم درس خواندن باشند و در کنارش در زمینه های دیگر چیزی ندانند چگونه می خواهند کلیم خود را از آب بکشند؟

اینجا زمینه فراهم است برای فعالیت در امور علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و...

اینجا حریت داری و آزادی داری. اینجا حقوقت لنگ جایی نیست که نتوانی حرف بزنی. اینجا ابزار قانونی برای حرف زدن داری و تا حدی آزادت را جامعه ی بیرون هستی.

### دانشجو ، نخبه جامعه



### آسیب تشکیلاتی

جشن دانشجویی خیلی وقت است که دیگر آرمان گرایی را کنار گذاشته و دنبال پر کردن گزارش کار است...

افراد مسئول در تشکل های دانشجویی بهترین و مداوم ترین کارشان شده مساحبه کردن و رزست های خبری برای آینده ی کارشان بله درست شنیدید، آینده ی کاری.

دیگر اسلام مهم مسئولیت تشیع به کنار، حرفش را نزن...مسئولیت ؟؟؟؟

مسئول بودن کیلویی چند مگر چه نصیب ما میشود؟! بله این حرف های نخیه های فرهنگی و سیاسی دانشجویان ماست.

حال باید چه کرد؟

در هر تشکل دانشجویی باید نتخیگان و آثانی که دلشان برای انقلاب و اسلام میسوزد، بیابند و آسیب شناسی کنند.

لله و با اخلاص.

شاید و نه حتما خداوند ما را به راه راست هدایت خواهد کرد. ان شاء الله

نکته آخر: این انقلاب آسان به دست نیامده که آسان از دستش بدهیم.بعد از امیر المومنین علی علیه السلام ،جهان اسلام و جهان تشیع به دنبال حکومت اسلامی بود.هزار و اندی سال...حال که به دست ما رسیده ،باید و باید این انقلاب برزمینه ساز انقلاب مهدی موعود باشد.

باشد که بند بگیریم و در مسیر او قرار بگیریم.

وقتی به یک پارز نگاه میکنیم می بینم که هر قسمت وظیفه ای و طرحی خاص دارد که آن وظیفه بر دوش کسی دیگری نیست. و فقط مخصوص همان تیکه است.

کشور نیز مانند پازلی است که هر قسمت باید وظیفه خود را انجام دهد تا حرکت و پیشرفت آن، کج دار و مریش نباشد. در این بین دانشجوی وظیفه بزرگی را در تکمیل این پازل بر دوش می کشد.

دانشگاه موتور محرک جامعه است. اتفاقات مهم کشور از اینجا شروع می شوند. دانشگاه باید جایی باشد که فرهنگ و علم و دیگر مسائل را به جامعه تزریق کند و باعث رشد آن شود. پس نقش دانشجو در اتفاقات مهم کشور ضروری است و بدون آن کشور دچار مشکل می شود. چرا که دانشجو با حریت و آزادی خودش، با روحیه آرمان گرایانه خودش و با صداقتش به میدان می آید و خیلی شجاع تر از بقیه افراد جامعه صحبت میکند. دانشجویان باید جریان ساز در مسائل کشور باشد. اینجا محل تجمع ذهن های جوان و آماده ی فکر کردن است. اینجا سطح تحلیل ها بالا می رود. دانشجویان سریع تر از بقیه به میدان می آیند و با انرژی شور و رفیت بیشتر از بقیه تلاش می کنند. دانشجوی نخبه جامعه است و وظیفه آگاه سازی بقیه را بر عهده دارد.

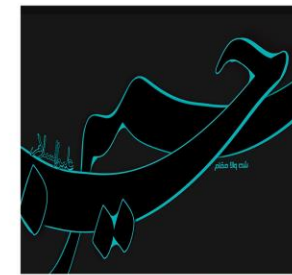
به گفته شهید بهشتی دانشجو مؤذن جامعه است و اگر خواب ماند گزار است فضا می شود.

دانشجو حلقه واسط بین مردم و مسئولین است و اگر کم کاری کند این حلقه ها از هم جدا می شوند و حرف مردم به مسئولان نمی رسد و همچنین مطالبه های جدی از مسئولین را کمتر کسی انجام میدهد.

### درد بقیه درد ماست...

حق مستضعفان و طبقات محروم جامعه را توضیح بدهید. شما نسبت به حق ضعفا و محرومین کوتاه آمدناید. این حقوق را نادیده گرفته اید و سکوت کرده اید اما هر چیز که فکر میکردید حق خودتان است مطالبه کردید. شما هرچا حق ضعفا و مستضعفین بود کوتاه آمدید و گفتید ان شاءالله خدا در آخرت جبران میکند اما در جا منافع خودتان بود ان را به شدت مطالبه کردید و محکم ایستادید. شما نه مالی در راه خدا پذل کردید و نه جانان را در راه ارزشها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویشها و دوستانان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر بشوید. با همین این کوتاهیها از خدا بیبشت را هم میخواهید؟ پس از همین این عافیت طلبیها و دنیا پرستیها منتظرید که در بیشت همسایهی پیامبران او باشید! در حالی که من میترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد. خداوند از شما تقیام خواهد گرفت.

امام حسین علیه السلام - خطبه منا



### اخبار



نامه جنیش عدالتخواه دانشجویی به سردار سلامی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ زمان سرب داغ فرا رسیده است!

آن چنان که به وضوح قابل مشاهده است ، برآمد سبک و قمع خطوط فرمز هسته ای و عقب نشینی حیرت آور از حقوق هسته ای ملت ایران است. حضرتعالی بیشتر در اقدامی هوشمندانه و به موقع در پاسخ به بیعت امنیتی-نظامی توافقات فرموده بودید ؛ ماسع بازپردی در مراکز نظامی ایران را با سرب داغ خواهید داد.»



تصمن جلوی مجلس برای جلوگیری از برجام

تصمنی که با یک زن و شوهر و سه فرزند خردسال آواز و شعله های آن باعث جمع شدن جمعیت زیادی شد.

استاید و بزرگان در این تصمن حضور یافتند و به ایراد سخنرانی پرداختند.

در پایان این تصمن با پیامی که از طرف بیت رهبری برایشان مبنی بر رسیدن صدای متصنن به مسئولین ارسال شد، به پایان رسید.



اعراض برخی دانشجویان به مشکلات خوابگاه

دانشجویان در حرکتی نمادین اعتراض خود را به صورت حلقه انسانی نشان دادند.

اعراض آن ها نه تصمن بود و نه تجمع. بلکه به شیوه سنتی اعتراض نکردند. آن ها به جای اینکه تک تک خدمت مسئول برسد و حرف هایی را بشنوند که مسئول مربوطه به نفر قبلی هم زده بود، به شیوه های جدیدتر اعتراض روی آوردند و نشان دادند که معترضین زیاد هستند و مسئولین باید تدابیری بیاندیشند و پاسخ کوثری علمی داشته باشند.

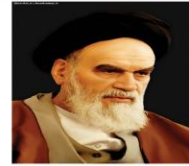


نامه مجمع دانشجویان عدالتخواه به آقای آذین، نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورا اسلامی.

بخشی از نامه:

- آنچه در این مذاکرات چندین ساله - که در برجام جمع بندی می شود- عاید ملت ایران شد، چیزی جز لگد مال کردن حیرت آور چهارچوب استقلال و عزت نظام یعنی همان خطوط فرمز رهبری که بارها اعلام فرموده اند،نبوده و نیست و هر آن کسی که متوجه این خطر بزرگ نباشد،اگر مغرض نباشد،جاهل و کوتاه نظر است.

- سوال ما از شما این است که آیا یک باربعض رضای خدا، برجام را خوانده اید؟ اگر نخوانده اید که وا اسفا و اگر خوانده اید و با این وجود ساکتید باز هم وا اسفا .



«خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذ الله که این با سیره و روش انبیا و امیر المؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست.» (صحیفه امام، ج ۲۰، ص: ۳۴۱)

## سال به سال افزایش

با اتوبوس داشتیم میرفتم خونه پیدا کنم. تو فکر بودم که اجاره خونه را از کجا جور کنم و پول چطور پیدا کنم...؟! در همین تفکرات بودم که به مقصد رسیدم و موقع حساب کردن کرایه اتوبوس... دیدم که کرایه هم شده ۷۰۰ و خرده ای.



به روندهای هزینه ای دانشگاه دقت کردم و متوجه چیزی شدم. چی؟

وقتی اوادم دانشگاه هزینه غذا حدود ۲۰۰ بود. و سال به سال افزایش پیدا کرد و الان هزار و خرده ای است...



هزینه خوابگاه از هشتاد و خرده ای شروع و سال به سال افزایش الان حدود ۱۵۰۰...

همینجور که فکر می کردم به این نتیجه رسیدم که من چند سال آینده می توانم درس بخوانم یا باید از بین دانشگاه و خوابگاه و غذا و اتوبوس و... یکی را انتخاب کنم؟!

دانشگاه میشه محل جمع شدن پول دارها و فقرا باید در حسرت آن بمانند؟ پست ها و مقام های مهم به پول دارها می رسد و در کنار آن محرومین و مستضعفین به هیچ جا نخواهند رسید؟ جامعه طبقاتی می شود و برمی گردیم به قرن های پیشی که فقط ارباب زاده ها می توانند درس بخوانند و بقیه از آن محروم؟ به یاد جملات امام افتادم...

که می گفت تنها آن هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت را چشیده باشند... که می گفت در انتخابات به افرادی رای دهید که از متوسط جامعه به پایین باشند...

و آیا در چند سال آینده چنین چیزی ممکن خواهد بود و فردی مستضعف با سواد پیدا میکنیم؟ و یا دانشگاه، جامعه و یا هر نهاد دیگر برنامه ای برای جلوگیری از این اتفاق دارد؟

## درآمدزایی دانشگاه

یکی از مسائلی که کم و بیش مطرح می شود این است که دانشگاه پول و هزینه های خود را از کجا باید تامین کند؟

جواب این است که راه های مختلفی دارد. اولین راه این است که دانشگاه برای انجام آموزش بودجه ای دارد. خوب گاهی هم از صحبت های مسئولین شنیده می شود که بودجه ندارند. پس به خیرین روی می آورند.

گاهی هم دانشگاه برای تامین برخی هزینه ها به دانشجو روی می آورد و از او پول می گیرد.

اما برخی راه ها و روش های دیگری وجود دارد که حداقل به گوش ما نرسیده دانشگاه برای آن چه کرده؟ و بنظر می رسد مغفول واقع شده اند. مثلا اینکه ما در دانشگاه زمین داریم، آب داریم و شرایط اصلی فراهم است. اما آیا توانسته ایم آن ها را به درآمد تبدیل کنیم؟ و یا اینکه دانشگاه در جایی دیگر خارج از دانشگاه به این درآمدزایی پرداخته؟ چقدر دانشجویان رشته کشاورزی در این زمینه ها فعالیت دارند و در درآمدزایی کشاورزی می کوشند؟

دیگر آنکه دانشگاه می تواند شرکت دانش بنیان داشته باشد و مسئله های جامعه را حل کند و کسب درآمد کند. اما الان چقدر ارگان ها، نهادهای مسئولین و حتی مردم برای رفع مشکلاتشان به دانشجو و ذهن آماده او روی می آورند؟

چقدر برای ما ارزش قائل می شوند و چقدر جرات سیردن امور به ما دارند؟ و چقدر زمینه دیگر وجود دارد برای ایجاد کار و درآمد... مگر کم هستند دانشجویانی که علاقه دارند همراه با درس به کار هم بپردازند؟ نه ما آن قدرها که شما ممکن است فکر کنید بی بخار نیستیم. همچنین اهرم فشار برای درس خواندن ما دانشجویان گرفتن هزینه نیست. فکر نکنید اگر از لحاظ مالی به ما فشار بیاید و برخی هزینه ها را ما پرداخت کنیم بیشتر درس می خوانیم.

باید به دنبال راهی برای تشویق به درس خواندن باشیم. این ابزار فشار شما به درس ما فشار وارد نمیکند بلکه به جیب ما وارد میکند و ما را مجبور میکند به کار بیشتر و درس کمتر...

## student lable

### دانشجوی کار

چندسال پیش در کتاب زبانهان در مورد بچه های کار درسی داشتیم. اون زمان برای بچه های کوچک و مدرسه ای بود اما فکر میکنم این درس را امروز می توان برای بزرگ ترها هم آورد. برای دانشجویان هم شاید بتوان از این عنوان استفاده کرد. چراکه در این جا دانشجویانی سربازان می رفتند و یا دوست داشتند برودن برای تامین مخارج خود در دانشگاه. بعضی برای گرفتن خانه که از مهم ترین الزامات زندگی است میرفتند. بعضی هم برای خوب ادامه دادن نرم تحصیلی و کم نیاوردن در نظر آن.

در دانشگاهی که چنین است و دانشجویان برای درس خواندن باید کار کنند. دانشجویانی که باید درس بخوانند و ذهن آرام داشته باشند چگونه مسئولان می گویند امکانات رفاهی به ما ربطی ندارد و چطور حرف از چنین قانونی می زند که ما را به این روز انداخته؟! مگر تاثیر این قانون را نمی بینید؟ مگر آموزش بدون رفاه می شود؟ دانشجویی که دهشت درگیر پول خونه و زندگی اش است می تواند درس بخواند؟ می تواند مطالب علمی را به چالش بکشد؟

## توسعه به چه شکل؟

در اسلام توسعه و پیشرفت به هر نحوی قابل قبول نیست. توسعه ای که باعث در آن عده ای له شوند و عده ای به نون و نوا برسند، توسعه ای که باعث بی عدالتی شود، توسعه ای که به شکاف طبقاتی برسد، توسعه ای که در آن پول دارها پولدار تر و فقیران فقیرتر می شوند قابل قبول نیست. در توسعه نباید برنامه ریزی برای فقر خاص و یا منطقه ای خاص باشد.

در توسعه و برنامه ریزی دانشگاه که نگاه میکنیم تلاش ها و پیشرفت های زیادی را می بینیم که متشکرم از زحماتشان.

اما گاهی این برنامه ریزی ها و تلاش ها به نتایج خوبی نمی رسد. مثل برنامه ریزی برای افزایش ظرفیت دانشگاه که باعث شد که بگویند ۲۰۰ نفر از دانشجویان به سراغ خانه گرفتن روند و از این ۲۰۰ نفر چه کسی می داند چند نفرشان پول اجاره خانه را نداشتند؟ می دانید چند نفر از این ها زیر بار چنین برنامه ای له شدند و یا فشار زیادی را متحمل شدند؟ در فواین دانشگاه آمده که قرار نیست به همه خوابگاه داده شود اما آیا درست است که با چنین برنامه ای فشار بر دانشجویان و خانواده ها آورده شود؟ درست است که بدون ساخت و ساز خوابگاه به فکر توسعه باشیم؟ این به له شدن عده ای منجر می شود؟



با جدا بودن امور اداری رفاه از امور اداری آموزشی مشکل نداریم اما در صورتی که هر دو تامین شود. نه اینکه از لحاظ رفاهی عقب بمانیم. دانشگاه باید حواشی به این باشد و پاسخ دهد نه اینکه با یک جمله و گفتن اینکه امور رفاهی مربوط به ما نیست و برای بخش دیگری است توجیه کند.

## موضع خودت را مشخص کن

بقه بعضی ادما رو باید گرفت و بهشون گفت: هی موضع خودت را مشخص کن. آخه یعنی چی اینقدر ساکت و اروم بودن؟! به کجا می خواهی بری؟ فکر می کنی مذهبی بودن به ساکت و اروم بودن است؟ یا عبادات اجازه بز بزن بهت نمیدان؟! آخه یعنی چی این بی مسئولیتی و بی تفاوتی؟! آخه مگه مسلمون بی مسئولیت هم داریم؟!

"من اصبح ولم یتهم بامورالمسلمین فلیس بمسلم" هرکس صبح کند و اهتمام به امور مسلمین نوزد مسلمان نیست.

بابا پاشو مشتت گره کن و فریاد بزنی تا احساس زنده بودن پیدا کنی. صدای بدی. کاری کنی. دالله بزنی من زنده ام. من با دیوار فرق می کنم.

آخه این چه نوع مذهبی بودن بی تفاوت و بی احساسیه؟ و چه زیبا گفت سالار شهیدان: "شما نه مالی را در راه... بپل کرده اید و نه جانان را در راه ارزش ها و عدالت به خطر انداختید و نه حاضر شدید با قوم و خویش ها و دوستانتان به خاطر خدا و اجرای عدالت و اسلام درگیر شوید.

با همه این کوتاهی ها از... بهشت را هم می خواهید؟! پس از راه عدالت طلبی ها و دنیا پرستی ها منتظرید که در بهشت همسایه باشید! او باشیدا در حالی که من می ترسم خداوند در همین روزها از شما انتقام بگیرد."

۱. بهتر است نسخه کامل خطبه من ترجمه رحیم پور ازغدی را بخونید.

## تجمع یا اعتراض؟



باید مطلبی را به خدمت برخی گفت تا دیگر دچار اشتباه نشوند. برخی با صحبت های مختلف می خواستند به دانشجویان معترض بگویند فعالیت غیرقانونی و بدون مجوز انجام دادید. و یا با این جرح و مرجب آن ها را تهدید به کمیته انضباطی کنند و یا ...

باید گفت که از اساس اعتراض با تجمع تفاوت دارد. اعتراض حالتی در درون یک فرد است که نمود بیرونی هم ممکن است داشته باشد و فقط در دل پنهان نمی ماند. ممکن است این اعتراض بین چند نفر مشترک باشد و با هم اعتراض خود را نشان دهند. مثل دانشجویانی که سر کلاس به زمان امتحان میانترم اعتراض می کنند. این ها همه در یک محل هستند و صحبت مشترک دارند و خویش را هم بعدا بیان میکنند. آیا می توان گفت دانشجویان در کلاس تجمع کردند؟ قطعاً خیر. به هر جمع شدن دور همی که تجمع اطلاق نمی گردد. تجمع شرایط و ضوابط خود را دارد. بیانیه و شعار و پلاکارد و کاغذ نوشته دارد. و همچنین مجوز می خواهد. تجمع حالت زیاد اعتراض را در خود دارد. وقتی صورت می گیرد که تقریباً راهی برای اعتراض نموده باشد و یا اوضاع بسیار وخیم باشد. ما از دانشجویانی که برای امور خوابگاهی معترض بودند نه کاغذ نوشته و شعار دیدیم و نه بیانیه. آن ها حرف واحد داشتند و با هم بودند.

شماره سامانه پیامکی: 30007711590000

